

تاریخ ادبیات قزاق

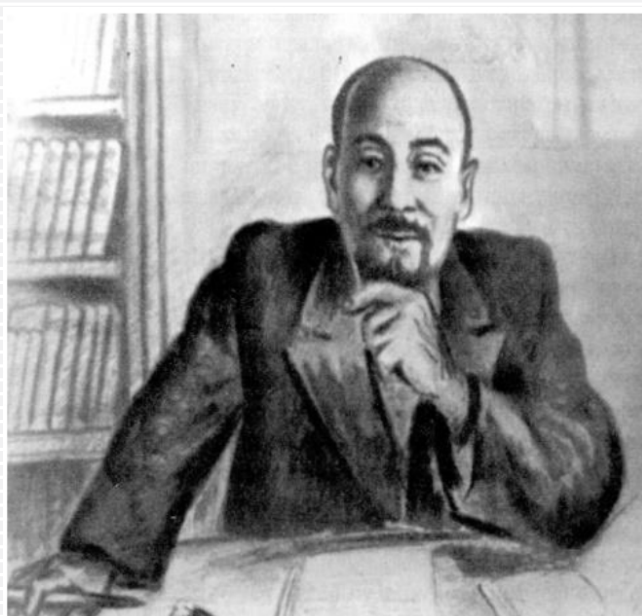
تور محمد ایزتئلو اوغلو (۱۸۸۲-۱۹۳۹)

قسمت دوم



■ دکتر اسلام چمنی

پژوهشگر تاریخ اقوام، محقق تاریخ و ادبیات
قزاق، مدرّس دانشگاه شرق شناسی قزاقستان



تور محمد ایزتئلو اوغلو (۱۸۸۲-۱۹۳۹)

■ چکیده

بخش عمده‌ای از باورهای اقوام جهان با طبیعت گره خورده و از میان تمامی گونه‌های طبیعی، چون جانوران از خود رفتارهای مختلف و متفاوتی بروز می‌دهند، باورهای مرتبط با آنان نیز بیشتر و گسترده‌تر است. اقوام ترکمن ساکن در سراسر نقاط جهان نیز به دلیل سبک زندگی ایلپاتی آنان، که تا یک سده‌ی گذشته بسیار پُرنرنگ بود، با عموم جانورانی که در محل زندگی خود و یا

در مسیرهای کوچ خود می‌دیدند، ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند. لذا هریک از انواع جانوران اعم از حیوانات دست‌آموز و اهلی تا پرندگان و درندگان و خزندگان و حشرات و آبزیان و ... هرکدام نزد قوم ترکمن جایگاهی (مثبت یا منفی) داشته و در زندگی روزمره و آداب و عادات و رفتار فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار بوده‌اند. در این مقاله به معرفی باورهای ترکمن‌های ساکن سرزمین گرگان و استرآباد (استان گلستان کنونی) پرداخته شده و صرف‌نظر از تأیید یا ردّ این باورها، آنچه مدنظر است صرفاً ثبت و ضبط این باورها است که با تغییر سبک زندگی رو به خاموشی و فراموشی رفته و فراموش شدن آن‌ها، در آینده بازخوانی بسیاری از متون ادبیات ترکمن، تحلیل و ریشه‌یابی نمادها و نقوش و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های قوم ترکمن را دچار اشکال خواهد نمود. این پژوهش به دو شیوه کتابخانه‌ای و گفت‌وگوی شفاهی انجام شده و در انتقال داده‌ها کمترین دخل و تصرف صورت گرفته است. در این مقاله از تحلیل محتوا خودداری شده و در مواردی به ذکر نمونه‌های مشابه در باورهای سایر اقوام اکتفا شده است.

واژگان کلیدی: قوم ترکمن- باورهای عامه- جانوران- سرزمین گرگان و استرآباد

■ آثار ادبی تورمحمد

استعداد شاعر از چهارده سالگی شکوفا شد. اولین شعرش را در همان سن به نام «حشره سیاه» سرود. در همان سال‌ها زبان فارسی را از استادان مدرسه محل تولدش یاد گرفته و آثار ادبی و قصه‌های فارسی را مطالعه می‌کرد و به تقلید از ادبیات فارسی اولین قصه‌اش را به نام «مرد دهقان» در سن هیجده سالگی نوشت، که نام قصه را به فارسی به همان نام نهاده بود. به کارگرفتن کلمات فارسی مانند «مرد»، «دهقان» در داستان‌ها و مقولات تورمحمد، به آن دو کلمه محدود نمی‌شود و در آثار وی به کلمات فارسی بسیاری برمی‌خوریم که اشتیاق او به زبان و ادب فارسی را نشان می‌دهد و می‌تواند موضوعی قابل تحقیق و پژوهش برای محققان علاقه‌مند به زبان و ادب فارسی و قزاقی باشد.

تورمحمد ایزت‌لوا و غلو از اوان کودکی عشق خاصی به ادب و زبان فارسی داشت از این رو آغاز فعالیت‌های ادبی او به پیروی از ادبیات شرق، با انتخاب سوژه‌های شرقی با سنت نظیره‌گویی، سرودن قصه‌های مشابه به ادبیات شرق بود. مثلاً آثار منظوم «دانشمند پیر»، «دختر اسیر»، «روا بانو» از نمونه‌های همان نظیره‌گویی‌های اوست.

تورمحمد از نظر دانش و توانایی و تسلط به زبان فارسی، به اندازه‌ای بالا بود که ترجمه‌های او از داستان‌های شاهنامه، قبل از این‌که به چاپ آید، دستیاران، نزدیکان و دوستدارانش بلافاصله ازبر کرده، سپس به دیگران منتقل می‌کردند به طوری که در مدت کوتاهی اکثر داستان‌های ترجمه‌ای او از فردوسی، در بین مردم از زبانی به زبان دیگر، دهان به دهان می‌گشت. داستان‌های شاهنامه در همان سال‌های اختناق هم در بین قزاق‌های خارج از محدوده‌ی جغرافیایی شوروی مثل چین، مغولستان و افغانستان انتشار یافته بود. در آن زمان که دست‌نویس ترجمه در زیر خاک از گزند دشمن پنهان بود و در زمانی که مترجم آن در زندان محبوس بود، سروده‌هایش حتی از مرزها عبور کرده، در دل و زبان عاشقان ادب و سخن جای خود را گرفته بود.

■ سرنوشت متن ترجمه

در سال وفات تورمحمد؛ یعنی ۱۹۳۹، دست‌نویس ترجمه‌ی او از شاهنامه، در زیر خاک پلکان خانه مسکونی‌اش هم‌چنان پنهان بود و از سرنوشت آن، به جز همسرش، هیچ کس خبری نداشت. ولی بسیاری از متون داستان‌های آن سینه‌به‌سینه، از زبانی به زبان دیگر، هم‌چنان در انتقال بود. سال‌ها بدین منوال می‌گذشت تا این‌که زمان مرگ استالین، دیکتاتور و سمبول کمونیسم خونخوار در شوروی سابق، فرارسید. به جای او نیکیتا سرگنویچ خروشف (۱۸۹۴-۱۹۷۱)، به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست در اتحاد جماهیر شوروی سابق، انتخاب و به کار مشغول شد. خروشف از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۸ در مقام دبیر اولی بود و از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ به عنوان نخست‌وزیر جماهیر شوروی سابق، در صدر خدمات کشوری، قوی‌تر از پیش رهبری اتحادیه را به‌دست گرفت. او در یکی از سخنرانی‌های خود، انتقاد شدیدی به سیاست‌های جنایت‌بار استالین ابراز کرد. این سخنرانی انتقادی او، راه را برای آزاد شدن و تبرئه شدن محکومین بسیاری باز کرد و فضای پر از اختناق سیاسی کشور توانست نفسی تازه کند.

در فضای سیاسی دوره خروشف امیدهای خاک شده دوباره از زیر خاک سربرآورد. به موازات آن نسیم، همسر تورمحمد، جسارت یافت که حقیقت پنهان شده را برملا سازد و واقعیت دست‌نویس همسرش را بر زبان آورد. این راز سربه‌مهر را نخستین بار او به گردآورنده فولکلور و میراث ادبیات شفاهی «مردان بایدلدا» (۱۹۲۵-۱۹۹۴) بازگو کرد. مردان نیز بلافاصله دست به‌کار شد. در سال ۱۹۶۰ دست‌نویس ترجمه شاهنامه از زیر خاک به بیرون آورده شد و دوباره امکان حیات یافت. بعد از آن مرحوم «مردان بایدلدا» بخشی از شاهنامه را، که از سانسور امنیتی دور و سلامت مانده بود، آماده چاپ کرد و در سال ۱۹۶۱ قسمتی از ترجمه، با نام «رستم داستان» در یک جلد، شامل ۶۰۳ صفحه، از طرف انتشاراتی «ادبیات قزاق» در آلماتی و با مسئولیت و سرپرستی مرحوم «مردان بایدلدا»، در تیراژ هفتاد هزار نسخه منتشر شد. در آن زمان چاپ شاهنامه به‌مانند زنده شدن دوباره تاریخ ملت قزاق بود؛ زیرا سرآغاز فصلی جدید برای نگرش تاریخ در اذهان ملت بود. زمانی تورمحمد برگردان شاهنامه را این‌چنین وصف کرده بود:

اندیشیدم برای آینده چه میراثی بر جای نهم،

از آن رو هر چه نوش می‌کردم بسان زهری تلخ بود.
در هراس این اندیشه مبدا غافل از دنیا بروم،
خوشا که کتاب شاهنامه بر جان من دلگرمی بود.
با سخن نظم در وزن یازده هجا در ده ماه نوشتم،
با سرسام، خسته، عرق کرده به پایان بردم.

اگر به مضمون ابیات فوق، که سروده شاعر مترجم در مقدمه کتابش است، نظر کنیم، متوجه می‌شویم که نظم شاهنامه آرمان حیاتی شاعر هم بود و به زندگی‌اش معنی می‌بخشید. از این رو نگهداری دست‌نویس او در زیر توده‌های خاک و بالاخره به بیرون راه یافتن و منتشر شدنش تا چه حد توانسته آرمان معنوی او را تحقق بخشد و چشمه حیات دوباره باشد.

■ نخستین چاپ شاهنامه با نام «رستم داستان» در سال ۱۹۶۱

اگر چه امکان چاپ و نشر قسمتی از مجموع داستان‌های شاهنامه در سال ۱۹۶۱ عملی شد، ولی سانسور و ممنوعیت روابط با ایران و ممالک اسلامی، هم‌چنان به قوت خود باقی بود. از این رو چاپ باقی‌مانده از ترجمه شاهنامه باز منتظر زمان مناسب و روز موعود بود. سال‌ها می‌گذشت و دوستداران منظومه فردوسی به اجبار صبر اختیار می‌کردند.

روز شانزدهم دکابری ۱۹۹۱ میلادی، استقلال جمهوری قزاقستان اعلام شد. از فردای همان روز تمام تلاش و تکاپوی جریان فکری جامعه در جستجوی هویت تاریخی و بازگشت به هویت ملی معطوف بود. سال استقلال، در شهر آلماتی فقط یک عمارت کهنه و فرسوده با نام مسجد مرکزی دره‌ایش را به روی چند پیرمرد نمازخوان باز نگه داشته بود، فقط یک مدرسه در سطح شهر به زبان قزاقی دانش‌آموز می‌پذیرفت. دین اسلام و زبان قزاقی آخرین نفس‌های باقی‌مانده از تاریخ نیاکان خویش را به تناوب در بستر مرگ و زندگی بر سینه حیات خویش فرو می‌بلعیدند و با فشار و مشقت، دوباره به خارج می‌فرستادند، به امید آن‌که با آخرین دم نفس‌هایشان زنده بمانند، به امید آن‌که راهی برای تنفس مداوم بیابند و به کاروان حیات ملت‌ها بپیوندند. کشور تازه استقلال یافته قزاقستان فعالیت‌های تاریخی و فرهنگی خود را در سه جهت: باستان‌شناسی، اسناد و آثار کتبی، فولکلور و ادبیات شفاهی، با حضور ملت و دولت، توأم با اشتیاق و علاقه خاصی آغاز کرد. آثار ممنوعه بی‌شماری در تمام سطوح تاریخی، فرهنگی و ادبی، دوباره احیاء و منتشر شدند. یکی از آن‌ها چاپ کامل ترجمه شاهنامه تورمحمد بود. از طرفی مجسمه یادبود شاعر نیز در شهر آلماتی زینت‌بخش فرهنگ نوپای قزاق شد.

در اولین گام شاهنامه آماده به چاپ مرحوم «مردان بایدلدا» که در سال ۱۹۶۱ برای نشر آماده بود، در دو جلد با همکاری گروهی از انتشاراتی «جازوشی» در دو جلد با مقدمه کما فی سابق نویسنده فقید مختار عوض‌اف و پیشگفتار مؤلف این سطور، کامل‌تر از چاپ نخست انتشار یافت. در واقع این نسخه جدید در سال ۲۰۰۴ میلادی علاوه بر متن کتاب چاپ شده در ۱۹۶۱ با داستان‌های دیگر حجیم‌تر و پربارتر

به دستداران شاهنامه ارائه شد. جلد اول ۳۳۶ صفحه و جلد دوم در ۳۲۸ صفحه بود و هر جلد در تیراژ یکهزار نسخه منتشر گردید.

اما در چاپ های ۱۹۶۱ و ۲۰۰۴، به هنگام ویراستاری، تغییراتی در متن صورت گرفته بود. از این رو لازم دیدند که دستنویس مترجم که با الفبای عربی که مرسوم آن زمان بود، دوباره تصحیح شده و برای نوبت سوم به چاپ برسانند. مسئولیت این کار به بنده واگذار شد. و بنده بدون این که تغییری در متن دستنویس مترجم بدهم، عیناً از الفبای عربی به الفبای سریلیک برگرداندم. بدین ترتیب چاپ سوم شاهنامه با آن چه که در دست بود، به طور کامل برای نشر آماده شد. ویژگی این چاپ دست نوشته مترجم با برگردان آن به سریلیک به موازات هم داده شده است. جلد اول در ۴۵۶ صفحه دست نوشته با الفبای عربی، ۴۵۲ صفحه برگردان سریلیک آن و مقدمه و پیشگفتار. جلد دوم در ۳۱۰ صفحه دست نوشته مترجم و ۴۵۴ برگردان سریلیک آن.

متن کامل ترجمه شاهنامه منطبق با دست نوشته تورمحمد، در سال ۲۰۰۹ منتشر شد. در این جا لازم به یادآوری است که تمام داستان های شاهنامه تورمحمد براساس چاپ سوم از طرف جنرال های مختلف به صورت ترانه خوانی سروده، در لوح فشرده ضبط شده و در اختیار شنوندگان قرار گرفت. برای مقایسه شاهنامه فردوسی و شاهنامه تورمحمد بهتر دیدم که فهرست شاهنامه فردوسی را براساس چاپ مسکو، که در دسترس اینجانب قرار دارد، بیاورم که کار پژوهشگران در این مورد سهل تر باشد. بلکه در آینده امکان تکمیل ترجمه به قزاقی فراهم شده و همچنین شاید پژوهشگران پاسخی برای این پرسش که چرا تمام شاهنامه فردوسی توسط تورمحمد ترجمه نشده است، بیابند. حال این پرسش مطرح می شود که اگر نسخه ترجمه ی تورمحمد کامل نبود و مترجم نیز از واقعیت این مسئله آگاهی داشت، چرا در مقدمه به این موضوع اشاره نکرده است؟ و پرسش دیگر این که تورمحمد بر اساس کدام نسخه کار ترجمه اش را عملی ساخته است؟

فهرست شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو، نشر قطره، چاپ ششم ۱۳۷۹ در ۱۳۶۷ صفحه:

۱. آغاز کتاب ۲. ستایش خرد ۳. گفتار اندر آفرینش عالم ۴. گفتار اندر آفرینش مردم ۵. گفتار اندر آفرینش آفتاب ۶. در آفرینش ماه ۷. گفتار اندر ستایش پیغمبر ۸. گفتار اندر فراهم آوردن کتاب ۹. داستان دقیقی شاعر ۱۰. بنیاد نهادن کتاب ۱۱. ستایش سلطان محمود ۱۲. کیومرث ۱۳. هوشنگ ۱۴. طهمورث ۱۵. جمشید ۱۶. ضحاک ۱۷. فریدون ۱۸. منوچهر ۱۹. پادشاهی نوذر ۲۰. پادشاهی زو طهماسب ۲۱. پادشاهی گرشاسب ۲۲. کیکباد ۲۳. پادشاهی کی کاوس ۲۴. رزم کاوس با شاه هاماوران ۲۵. سهراب ۲۶. داستان سیاوش ۲۷. کیخسرو ۲۸. داستان فرود سیاوش ۲۹. داستان کاموس کشانی ۳۰. داستان خاقان چین ۳۱. داستان اکوان دیو ۳۲. داستان بیژن و منیژه ۳۳. داستان دوازده رخ ۳۴. جنگ بزرگ کیخسرو و افراسیاب ۳۵. اندر ستایش سلطان محمود ۳۶. پادشاهی لهراسپ ۳۷. پادشاهی گشتاسپ ۳۸. سخن دقیقی ۳۹. سخن فردوسی ۴۰. داستان هفتخوان اسفندیار ۴۱. داستان رستم و اسفندیار ۴۲. داستان رستم و شغاد

۴۳. پادشاهی بهمن اسفندیار ۴۴. پادشاهی همای چهرزاد ۴۵. پادشاهی داراب ۴۶. پادشاهی دارای داراب
 ۴۷. پادشاهی اسکندر ۴۸. پادشاهی اشکانیان ۴۹. پادشاهی اردشیر ۵۰. پادشاهی شاپور اول ۵۱. پادشاهی
 اورمزد ۵۲. پادشاهی بهرام اورمزد ۵۳. پادشاهی بهرام بهرام ۵۴. پادشاهی بهرام بهرامیان ۵۵. پادشاهی
 نرسی بهرام ۵۶. پادشاهی اورمزد نرسی ۵۷. پادشاهی شاپور ذوالاکتاف ۵۸. پادشاهی اردشیر نکوکار
 ۵۹. پادشاهی شاپور سوم ۶۰. پادشاهی بهرام شاپور ۶۱. پادشاهی یزدگرد بزه‌گر ۶۲. پادشاهی بهرام گور
 ۶۳. پادشاهی یزدگرد ۶۴. پادشاهی هرمز ۶۵. پادشاهی پیروز ۶۶. پادشاهی بلاش پیروز ۶۷. پادشاهی
 قباد ۶۸. داستان مزدک با قباد ۶۹. پادشاهی کسری نوشین روان ۷۰. پادشاهی هرمز ۷۱. پادشاهی خسرو
 پرویز ۷۲. پادشاهی شیرویه ۷۳. پادشاهی اردشیر شیروی ۷۴. پادشاهی فرابین ۷۵. پادشاهی پوران دخت
 ۷۶. پادشاهی آذر دخت ۷۷. پادشاهی فرخ زاد ۷۸. پادشاهی یزدگرد.

اکنون فهرست عنوان‌های شاهنامه تورمحمد را می‌آوریم تا خواننده کنجکاو و مدرسان زبان فارسی و پژوهشگران از حجم متون ترجمه مطلع باشند و در صورت تمایل، به پژوهش و یافتن پاسخ پرسش‌های مطرح شده، مبادرت ورزند. فهرست شاهنامه تورمحمد به شرح زیر می‌باشد: ۱. پیشگفتار بر شاهنامه
 ۲. پیشگفتار ۳. پادشاهی کیومرث ۴. پادشاهی هوشنگ ۵. پادشاهی طهمورث ۶. پادشاهی قهرمان ۷.
 پادشاهی جمشید ۸. سیاه شدن چهره جمشید به خاطر ادعای خدایی ۹. تولد کرشاش (گرشاسب) ۱۰.
 بنیاد شهر سیستان توسط کرشاش ۱۱. کشتی گرفتن کرشاش با پولادمند ۱۲. پیدا شدن دو مار از دو
 کتف ضحاک ۱۳. تولد فریدون ۱۴. واقعه استاد کاوه ۱۵. احضار کرشاش از سیستان به امر فریدون ۱۶. برپا
 شدن شهر شیراز ۱۷. کشتی گرفتن کرشاش با خیبر فرزند پولادمند ۱۸. وفات یافتن کرشاش ۱۹. فرزند
 کرشاش اوتورت در جستجوی پدر ۲۰. واقعه سه فرزند فریدون شاه ۲۱. تولد منوچهر ۲۲. کشته شدن تور
 توسط منوچهر ۲۳. کشتن سام پهلوان فرزند نریمان دیو اهریمن را ۲۴. کشتن منوچهر سلم را ۲۵. وفات
 یافتن فریدون و نریمان ۲۶. سفر سام به چین ۲۷. تولد پهلوان زال (پدر پهلوان رستم) ۲۸. سفر زال به
 کابل به عنوان سفیر ۲۹. جنگ پشای فرزند تور با منوچهر ۳۰. افراسیاب ۳۱. تولد رستم ۳۲. پادشاهی نوذر
 ۳۳. جنگ نوذر و افراسیاب ۳۴. جنگ افراسیاب با نوذر ۳۵. پادشاهی صد ساله کیکباد ۳۶. پادشاهی
 صد و پنجاه ساله کیکاوس ۳۷. تولد سهراب ۳۸. رستم و سهراب ۳۹. دلاور بیشن (بیژن) ۴۰. سیاوش ۴۱.
 خسرو نامه (پادشاهی ۶۴ ساله) ۴۲. واقعه دیو اکوان ۴۳. حکایت بیشن (بیژن) ۴۴. اعزام سپاه به سوی
 افراسیاب از سوی کیخسرو بعد از شش ماه جمع آوری سرباز ۴۵. آوردن سرباز توسط افراسیاب از چین
 ۴۶. پادشاهی لهراسب ۴۷. حکایت گشتاسب ۴۸. حکایت جیرون ۴۹. حکایت آهیران ۵۰. الیاس بک ۵۱.
 پادشاهی گشتاسب ۵۲. کشتن رستم اسفندیار را ۵۳. پادشاهی بهمن ۵۴. وفات جاماسپ ۵۵. کشتن
 شاپات (شغاد) رستم را ۵۶. عصر بهمن ۵۷. زادن همای داراب را ۵۸. پادشاهی داراب.

با یک نگاه ساده به عناوین فهرست شاهنامه فردوسی و شاهنامه تورمحمد، متوجه می‌شویم که در
 نسخه اصل ۷۸ باب عنوان شده است و نسخه ترجمه ۵۸ عنوان قید گردیده است. چرا؟ باز در یک نظر
 عناوین یک تا هشتم (۱۱. آغاز کتاب ۲. ستایش خرد ۳. گفتار اندر آفرینش عالم ۴. گفتار اندر آفرینش مردم

۵. گفتار اندر آفرینش آفتاب ۶. در آفرینش ماه ۷. گفتار اندر ستایش پیغمبر (به علت کنترل ایدولوژیکی، ترجمه آن‌ها امکان‌پذیر نبود. اگر ترجمه شده باشد نسخه‌های دست‌نویس مترجم به دست ما نرسیده است. چون و چرایی عدم ترجمه بقیه فصول جای بحث و تأمل است و نیاز به تعمق و تحقیق بیشتر دارد که جای آن در این مقوله نیست. زیرا کاری است که لازم است مستقلاً به آن پرداخت تا به یک نتیجه منطقی و مقبول و اقناع‌کننده دست یافت. پس این کار به نوبت دیگر امانت پژوهشگران و دستداران این موضوع خواهد بود. انشالله!

به هرحال کار ترجمه شاهنامه فردوسی و حفظ دست‌نویس آن از دست ویرانگران معنویات و احیاء متون از خاکستر مرگ کاری بود کارستان. بعد از استقلال قزاقستان سعی شد نهال کاشته شده این ثمره فرهنگ و معنویات انسانی بار دیگر آبیاری شود و میوه‌های نورس آن دگر بار اطعام معنویات و روحيات نسل نو گردد. همت در این کار زمینه‌های چاپ مکرر شاهنامه را در چند نوبت فراهم ساخت. و از کسانی که در این راه ادای وظیفه و تلاش کردند و تشویق مادی و معنوی نمودند، ابراز خشنودی می‌شود. در چارچوب حمایت دولت از طرح «میراث فرهنگی» استانداری قزل اورد، متن کامل دست‌نویس ترجمه تورمحمد از طرف این‌جانب بازخوانی و از الفبای عربی به سیریلیک برگردانده و همان‌گونه که در فوق ذکر شد، به چاپ رسید. اما برای این‌که متن کامل ترجمه به دست عموم شاهنامه‌خوان‌ها برسد، لازم دیدیم که شاهنامه تورمحمد را برای چاپ چهارم آماده سازیم. این مهم هم عملی شد و چاپ چهارم شاهنامه با حذف متن دست‌نویس آن برای عموم، از طرف انتشارات «آرئس» در ۸۹۶ صفحه، در سال ۲۰۱۵ نشر یافت.

در این بخش لازم دیدیم در مقایسه شاهنامه فردوسی و شاهنامه تورمحمد، اشاره‌ای به ویژگی قرار گرفتن ترتیب داستان‌ها بنماییم؛ برای مثال داستان فریدون را در نظر می‌گیریم. در شاهنامه فردوسی چاپ مسکو داستان فریدون در یک فصل ۸۹۸ بیتی سروده شده است. در حالی که در شاهنامه تورمحمد داستان فریدون در چهار فصل پراکنده ارائه می‌شود. امثال: ۱. تولد فریدون ۲. احضار کرشاش (گرشاسب) از سیستان به امر فریدون ۳. واقعه سه فرزند فریدون شاه ۴. وفات یافتن فریدون و نیمان. اگر چه در نوع ارائه داستان‌ها، در ظاهر، تفاوت‌هایی دیده می‌شود، اما مترجم در داستان‌های شاهنامه فردوسی، نسبت به موضوع نسخه اصل، تصرفی به عمل نیاورده است.

■ ویژگی قالب‌ها و اوزان شعری قزاقی-فارسی

آن‌چه در ترجمه اشعار کلاسیک فارسی به قزاقی قابل توجه است، این است که یک بیت شعر فارسی در چهار مصرع قزاقی به نام «چارپاره» (تورت‌تاغان) برگردان می‌شود. مثلاً شاه‌کریم در ترجمه غزل‌های حافظ هر بیت از غزل حافظ را در یک چارپاره برگردانده است. به پیروی از آن تورمحمد هم هر بیت از مثنوی فردوسی را در قالب یک چارپاره برگردانده است. از این رو با توجه به تجربه دو شاعر بزرگ قزاق، ابیات فارسی در چارپاره‌های قزاقی، برای ادای مفهوم آن، شکل مناسبی می‌تواند باشد. زیرا یکی در ترجمه

غزل و دیگری در ترجمه مثنوی قالب چارپاره قزاقی را برای یک بیت فارسی مناسب تشخیص داده و بر آن عمل کرده‌اند.

تورمحمد علاوه بر انجام ترجمه شاهنامه فردوسی، اشعار زیادی در زمینه‌های تربیتی و اجتماعی سروده است. اشعار وی در همه زمینه‌های حیاتی و معیشتی مورد علاقه و مطالعه دوستداران ادب و فرهنگ قزاق بوده و تا به امروز هم مورد توجه اهل ادب و مطالعه است. ترجمه شاهنامه تورمحمد و بسیاری از اشعارش در مراکز آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی، هم‌چنان به عنوان ادبیات مرجع و پایه تدریس می‌شود. علاوه بر این، موضوعات آثار او از طرف پژوهشگران مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

تورمحمد علاوه بر سرودن انواع اشعار اندرزی، اجتماعی، حماسی، داستانی و فولکلوریک، از حامیان برجسته «مناظره نوشتاری» بود و در این نوع مشاعرات از پایه‌گذاران آن در منطقه «سئر دریا» (مناطق کناره‌های رود سیحون) به‌شمار می‌رود. مناظرات شعری تورمحمد با شاعران بزرگ آن دوره مثل: یر مراد، جورسئن، عبد کریم و شادی، در تاریخ ادبیات قزاق شهره‌ی عام و خاص است.



آرامگاه تورمحمد در استان قزل اورد، قارماقشی، روستای تورمحمد

درباره آثار شعری و حیات شاعر، قبل و بعد از اعلام استقلال قزاقستان، مقالات و پژوهش‌های زیادی از طرف محققان به چاپ رسید، که در نهایت آثار شعری و مقالات تحقیقی درباره تورمحمد، در دو مجموعه جداگانه؛ یکی در یک جلد قطور به نام «مجموعه آثار تورمحمد ایزتئلو اوغلو» و دیگری با همان نام در چهار جلد با سرپرستی این جانب منتشر شد.